

## آرزو

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾

### - آرزوی بیجا

۱. ﴿وَ لَا تَتَمَنُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبَنَ وَ سْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾؛ برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما و بر طبق عدالت است. ولی با این حال) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید.

### تفسیر

الف) تمنوا: تمنی به معنای این است که انسان بگوید ای کاش فلان جریان فلان جور پیش می‌آمد، (و یا فلان چیز را می‌داشتم) از ظاهر آیه بر می‌آید که می‌خواهد از آرزوی خاص نهی کند و آن آرزوی داشتن برتری‌هایی است که در بین مردم ثابت است، برتری‌هایی که ناشی می‌شود از تفاوت‌هایی که بین اصناف انسان‌ها است، بعضی از صنف مردانند و به همین خاطر برتری‌هایی دارند، بعضی از صنف زنانند آن‌ها نیز به ملاک زن بودن یک برتری‌های دیگری دارند، می‌خواهد بفرمایید سزاوار است از دل بستن و اظهار علاقه به کسی که فضلی دارد صرف نظر کنید، به خدا علاقه بورزید و از او درخواست

فضل کنید!

نباید اشتباه کرد که آیه اشاره به تفاوت‌های واقعی و طبیعی می‌کند، نه تفاوت‌های ساختگی که بر اثر "استعمار" و "استثمار" طبقاتی بوجود می‌آید، چه این که آن‌ها نه خواست خدا است و نه چیزی است که آرزوی دگرگون کردن آن نادرست باشد؟<sup>۱</sup> به جای آرزو کردن این گونه تفاوت‌ها، از فضل خدا و لطف و کرم او تمذا کنید که به شما از نعمت‌های مختلف و موققیت‌ها و پاداش‌های نیک ارزانی دارد و در نتیجه افرادی خوشبخت و سعادتمند باشید خواه مرد باشید یا زن و خواه از این نژاد باشید یا نژاد دیگر و در هر حال آن‌چه را خیر واقعی و سعادت شما در آن است بخواهید نه آن‌چه شما خیال می‌کنید (و تعبیر به من فضله شاید اشاره به همین معنی می‌باشد).<sup>۲</sup>

ب) اکتسبو: راغب اصفهانی یادآور شده که کلمه (اکتساب) در به دست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند.<sup>۳</sup>

### - وعده‌های شیطان

۲. ﴿يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾<sup>۴</sup>; شیطان به آن‌ها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد.

### تفسیر

الف) يعدهم: وعد(وعده کلمه ایست که) در خیر و شر استفاده می‌شود.<sup>۵</sup>

- 
۱. المیزان، ج ۴، ص ۳۳۶.
  ۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۳.
  ۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۴.
  ۴. المیزان، ج ۴، ص ۳۳۷، به نقل از مفردات راغب.
  ۵. نساء، آیه ۱۲۰.
  ۶. مفردات، ص ۸۷۵.

## ۳۴ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

ب) یمنیهم: تمّنی، در نظرگرفتن و صورت دادن چیزی در نفس(خيال) است و آن گاهی از روی تخمین و گمان و گاهی از رؤیا(خيال بافي) است.

ج) غرورا: غرور هر چیزی است که انسان را فریب دهد از مال، جاه، شهوت و شیطان!.

### پیام‌ها

۱- به جای تمّنای آن‌چه دیگران دارند، در پی کسب و تلاش باشیم، «نصیبٌ مِمَّا اکتسَبُوا...».<sup>۲</sup>

۲- دلبستگی به آرزوها، افتادن در دام فریب شیطان است، «يَعِدُهُمْ وَ يُمْنِيْهُمْ».<sup>۳</sup>

### آیات مرتبط

۳. آرزوی دست نیافتنی: «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى؟». یا آن‌چه انسان تمّنا دارد به آن می‌رسد؟

۴. مکر شیطان: «وَلَا أُضِلَّهُمْ وَ لَا مَيِّنَهُمْ»<sup>۴</sup>; و آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم.

۵. اتلاف عمر با آرزو: «غَرَّتُكُمُ الْأَمَانِيَّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ»<sup>۵</sup>; آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید. آرزوهای منفی.

۶. ثروت قارون: «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ»<sup>۶</sup>; ای کاش همانند آن‌چه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم.

۱. مفردات، ص ۶۰۳.

۲. تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳. تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۹۱.

۴. بیم، آیه ۲۴.

۵. نساء، آیه ۱۱۹.

۶. حديث، آیه ۱۴.

۷. قصص، آیه ۷۹.

۷. ستایش نابجا: «يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعُلُوا»<sup>۱</sup>; دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند.

۸. برتری: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهُ لِلنَّاسِ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>; این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین را ندارند.

## ارجاعات قرآنی

- ۱- آرزوهای واهی: بقره، ۱۱۱ - نساء، ۱۲۳ - بقره، ۹۶
- ۲- آرزوهای جهنمیان: معارج، ۱۴ - نساء، ۴۲ - آل عمران، ۳۰ - زخرف، ۳۸ - انعام، ۲۷ - الحاقة، ۲۵
- ۳- آرزوهای دشمنان: آل عمران، ۶۹ - آل عمران، ۱۱۸ - نساء، ۸۹ - نساء، ۱۰۲ - ممتحنه، ۲ - قلم، ۹ - بقره، ۱۰۵ - بقره، ۱۰۹

## روايات

### - بدترین‌ها

۱. قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمْلَى أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمْلَى فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛ من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی هوای نفس و درازی آرزو، اما پیروی هوی، پس همانا که از حق باز می‌دارد و اما درازی آرزو، آخرت را فراموش سازد.

۱. آل عمران، آیه ۱۸۸.

۲. قصص، آیه ۸۳.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۶.

## روايات مرتبط

### - بهترین دارو

۲. قال امیر المؤمنین ﷺ:

أَفْضَلُ الدَّوَاءِ تَرْكُ الْمُنْتَى<sup>١</sup>؛ بهترین داروی شفا بخش ترک آرزوهای(نابجا) است.

### - عمل و امل

۳. قال الصادق علیه السلام:

الْعَاقِلُ يَعْمَدُ عَلَى عَمَلِهِ وَالْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمْلِهِ<sup>٢</sup>؛ عاقل به سعی و کوشش

خود تکیه می‌کند(اما) نادان به آرزوی خود متکی است.

### - تسلط شیطان

۴. قال امیر المؤمنین علیه السلام:

الامل سلطان الشیطان علی قلوب الغافلین<sup>٣</sup>؛ آرزوی(باطل) سلطان شیطان بر دلهای

غافلان است.(سلطان یعنی راه تسلط).

### - آرزو و عقل

۵. کثرة الامانی من فساد العقل<sup>٤</sup>؛ آرزوهای زیاد ناشی از فساد عقل است.

## داستان‌ها

### ۱- شیطان و آرزو

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: وقتی این آیه بر پیامبر اسلام علیه السلام نازل شد:  
«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصْرِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ \* أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَعْنَفَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ

۱. غرر الحكم، ص ۸۰۰.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. مجموعة ورام، ص ۱۷.

۴. غرر الحكم، ص ۶۵.

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ<sup>۱</sup>؛ ابليس پدر شیطان‌ها سخت ناراحت گردید. بالای کوهی در مکه به نام تور رفت و آژیر خطرش بلند شد و همه یارانش را به تشکیل انجمن خود دعوت نمود. همه بچه‌های شیطان جمع شدند، ابليس نزول آیات فوق را به اطلاع آنان رساند، اظهار نگرانی کرد و از آن‌ها کمک خواست. یکی از یاران او گفت: من با دعوت نمودن انسان‌ها از این گناه به آن گناه، اثر این آیه را خشی می‌کنم، ابليس سخن او را نپذیرفت. دیگری پیشنهادی شبیه اولی کرد ولی باز مورد پذیرش ابليس قرار نگرفت تا این که از میان شیطان‌ها، شیطان کهنه‌کاری به نام وسوس خناس گفت: پیشنهاد من این است که فرزندان آدم را با وعده‌ها و آرزوهای طولانی آلوده به گناه می‌کنم و می‌گوییم که الان برای توبه کردن زود است و فرصت توبه بسیار است، وقتی که مرتکب گناه شدند، خدا را فراموش کرده و بازگشت به سوی خدا و توبه از خاطر آنان محو می‌گردد. ابليس گفت: مرحبا! راه همین است. سپس این مأموریت را تا پایان دنیا به او سپرده.<sup>۲</sup>

## ۲- آرزوهای طولانی

می‌گویند: زنی دیوانه شد و او را به دارالمجانین بردنده. برای معالجه‌اش هر کار کردند فایده‌ای نبخشید. این زن هر روز صبح، دیوانه‌ها را دور خودش جمع می‌کرد و می‌گفت: من یک شوهر زیبا دارم. یک پسر و یک دختر خوشگل دارم ماشین سواری قشنگی داریم. عصر به عصر که شوهرم از سر کار می‌آید. پشت فرمان ماشین می‌نشیند و من و بچه‌ها هم عقب ماشین می‌نشینیم، از قصرمان که در شمیران است می‌رویم به ویلایی که داریم و در آنجا تفریح می‌کنیم... بعد از تحقیقات درباره کودکی این زن معلوم شد که وی در زمان درس خواندن آمال و آرزوهای عجیبی داشته است مثلاً آرزو داشته است که شوهر آینده‌اش یک اداری عالی رتبه و خوش قیافه باشد. بچه‌های آن‌ها، قصر و ویلایشان، ماشین و ... چنین و چنان باشد. سال‌ها با این آرزوها زندگی می‌کند تا اینکه از قضا به همسری مردی عادی، فاقد زیبایی و ثروت در می‌آید. زندگی مشترکشان را در خانه‌ای کوچک و

۱. آل عمران، آیات ۱۳۶-۱۳۵.

۲. داستان‌های صاحبدلان، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱ به نقل از امالی صدوq، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵۳، باب ۸۵، ح ۷.

اجاره‌ای آغاز می‌کنند و صاحب فرزند نیز نمی‌شوند. عملی نشدن آرزوها چنان روان زن بیچاره را آزار می‌دهد تا سرانجام دیوانه‌اش می‌کنند. آری! رؤیایی بار آمدن کودک بیشتر بر اثر تلقینی است که از طرف اطرافیان به ذهن او تزریق می‌شود. خصوصاً پدر و مادر، به فرزند خود وعده‌های ندهند که توان انجام دادن آن را نداشته باشند تا نتیجه‌اش این بشود که او یک عمر در رؤیاهای خیالی خود پرواز کند و هیچ وقت دسترسی به آن نداشته باشد<sup>۱</sup>.

### ۳- عیسیٰ علیه السلام و زارع

گویند حضرت عیسیٰ بن مریم علیه السلام نشسته بود و نگاه می‌کرد به فرد زارعی که بیل در دست داشت و مشغول کندن زمین بود. حضرت عرض کرد: خدایا آرزو و امید را از زارع دور گردان. ناگهان زارع بیل را به یک سو انداخت و در گوشه‌ای نشست. عیسیٰ علیه السلام عرض کرد خدایا آرزو را به او باز گردان. زارع حرکت کرد و مشغول زراعت شد. عیسیٰ علیه السلام از زارع سوال نمود: چرا چنین کردی؟ گفت: با خود گفتم تو مردی هستی که عمرت به پایان رسیده، تا به کی به کار کردن مشغولی، بیل را به یک طرف انداخته و در گوشه‌ای نشستم. بعد از لحظاتی با خود گفتم: چرا کار نمی‌کنی و حال آنکه هنوز جان داری و به معاش نیازمندی، پس به کار مشغول شدم<sup>۲</sup>.

### اشعار

بیخ هوس بکن که درختی است کم بقا  
بسا کسی که به روز تو آرزومند است  
همی هر چه خواهد به وهم آن کند  
برنتابد کوه را یک برگ کاه  
چون یصلک عن سیل الله اوست  
در گریز از دامهای آرزو

شاخ امل بزن که چراغی است زود میر  
به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری  
جوان آرزوها فراوان کند  
آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه  
با هوا و آرزو کم باش دوست  
این جهان دام است و دانه‌ش آرزو

۱. استاد مظاہری، تربیت فرزند در اسلام، ص ۱۴۴.

۲. یکصد موضوع پانصد داستان، ج ۱، ص ۵۹.